

سری کتابهای آموزشی

دوراندیشان

محمد حافظ

حقوق بین الملل خصوصی

سید حسن کاظمی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۶
فصل اول: کلیات	
عنوان اول - تعریف حقوق بین الملل خصوصی.....	۱۰
عنوان دوم - پیشینه تاریخی حقوق بین الملل خصوصی.....	۱۴
عنوان سوم - موضوعات حقوق بین الملل خصوصی.....	۱۸
عنوان چهارم - فواید حقوق بین الملل خصوصی.....	۲۲
عنوان پنجم - منابع حقوق بین الملل خصوصی.....	۲۷
نمایه فصل اول.....	۳۶
فصل دوم: تابعیت	
عنوان اول - مفاهیم کلی.....	۴۴
عنوان دوم - اصول و مبانی تابعیت.....	۴۷
عنوان سوم - تقلب نسبت به قانون در تابعیت.....	۷۱
عنوان چهارم - تابعیت اشخاص حقوقی.....	۷۱
عنوان پنجم - تابعیت در ایران.....	۷۵
نمایه فصل دوم - تابعیت.....	۱۱۰
فصل سوم: اقامتگاه	
عنوان اول - مفاهیم کلی.....	۱۲۲
عنوان دوم - اصول و مبانی اقامتگاه.....	۱۲۶
عنوان سوم - اقامتگاه بین المللی در حقوق ایران.....	۱۲۹
نمایه فصل سوم.....	۱۳۲

فهرست مطالب

فصل چهارم - وضع بیگانگان

عنوان اول - مفاهیم کلی	۱۳۶
عنوان دوم - وضعیت حقوقی اشخاص حقیقی بیگانه در ایران	۱۴۰
عنوان سوم - وضعیت حقوقی اشخاص حقوقی بیگانه در ایران	۱۵۵
نمایه فصل چهارم	۱۶۱
فصل پنجم - تعارض قوانین	
عنوان اول - مفاهیم کلی	۱۷۰
عنوان دوم - پیدایش و تکامل مکاتب حقوق بین الملل خصوصی	۱۸۹
عنوان سوم - مسایل کلی تعارض قوانین	۲۰۹
نمایه فصل پنجم - قسمت اول	۲۶۱
عنوان چهارم - مسایل مهم تعارض قوانین در حقوق ایران	۲۸۰
نمایه فصل پنجم - قسمت دوم	۳۲۹
کلید بیازماییم	۳۳۸
فهرست منابع و مآخذ	۳۴۱

مقدمه مؤلف

امروزه با توجه به توسعه و گسترش روزافزون روابط اشخاص حقیقی و حقوقی در عرصه بین‌المللی و همچنین افزایش بیش از پیش مبادلات اقتصادی و تجاری جوامع و نیز بالارفتن آمار مهاجرت و جابجایی افراد در ورای مرزهای دولت‌های متنوع و ملی‌شان، بشر خواسته یا ناخواسته نیاز به تنظیم و تدوین این رابطه در دسته‌ها و چارچوب‌های خاص حقوقی و قاعده‌مند دارد تا بدین وسیله مشکلات ناشی از تعارض قوانین داخلی دولت‌ها و عدم هماهنگی سیستم‌های حل تعارض قوانین کشورها در ورود یک عنصر خارجی به روابط داخلی‌شان را برطرف نماید.

در جهان کنونی هر روز شاهد رشد و پیدایش سازمانها و نهادهای فراملی هستیم که در راستای اهداف مشخص و مشترک با به هم پیوستن دولت‌ها و نهادهای ملی شکل پیدا می‌کنند که یکی از این نهادها نیز سازمان «کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه» یا «HCCH» مخفف:

«Hague conference on private international» می‌باشد که در سال ۱۹۸۳ میلادی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای حقوقی بین‌المللی با هدف تسهیل زندگی افراد و شرکت‌های خصوصی در ماورای مرزها، ایجاد گردید و نقش چشمگیری در رفع موانع حقوقی روابط خصوصی افراد و مرادیت تجاری بین‌المللی داشته و دارد. اما با این وجود برخی کشورها از جمله ایران هنوز به عضویت این سازمان در نیامده‌اند و به همین دلیل رشته حقوق بین‌الملل خصوصی در ایران همچنان تحت تأثیر روابط سیاسی دولتی است و نه تابعی از روابط نظام‌مند خصوصی اشخاص در جامعه جهانی امید که با عضویت ایران در این سازمان افق‌های جدیدی در نگرش به رشته حقوق بین‌الملل خصوصی در کشورمان شکل بگیرد و در آینده‌ای نزدیک شاهد تحول هر چه بیشتر جنبه‌های مختلف این رشته در نظام حقوقی کشور عزیزمان ایران باشیم.

در این کتاب سعی شده است با توجه به کتاب‌های تألیف شده توسط اساتید برتر حقوق بین‌الملل خصوصی که جزو منابع اصلی آزمون‌های سالهای اخیر مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه‌های مختلف ایران می‌باشد، به تعریف، مبانی، منابع، موضوعات و اصطلاحات و زوایای مختلف این شاخه از حقوق پرداخته شود. با توجه به این که هدف از تألیف کتابهای کمک‌حافظه مؤسسه دوراندیشان ارتقاء کیفی هر چه بیشتر سطح دانش

حقوقی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز رشته‌های مختلف حقوق و در کل جامعه حقوقی ایران است و همواره سعی بر آن شده است که با یکدست کردن و طبقه‌بندی جامع و کامل مباحث مختلف رشته‌های مختلف حقوقی طرحی نو و نظامی منسجم به نظریات و آراء پراکنده نویسندگان و اساتید گرانقدر و کتاب‌های منبع و اصلی حقوقی داده شود. این کتاب هم نسبت به سایر کتاب‌هایی از این دست دارای ویژگی‌ها و نوآوری‌هایی برگرفته از سبک آموزشی مؤسسه دوراندیشان است که کمک به یادگیری بیشتر و آسان‌تر مباحث حقوقی بین‌الملل خصوصی می‌نماید. که ذیلاً به مواردی از آن اشاره‌ای می‌کنیم:

(۱) طبقه‌بندی و تلخیص مباحث مهم حقوق بین‌الملل خصوصی به منظور شرکت در آزمون‌های کارشناسی ارشد و دکترا سراسری و آزاد گرایش‌های مرتبط رشته حقوق.

(۲) آوردن نمایه و خلاصه هر فصل به صورت نموداری در پایان هر فصل.

(۳) استفاده از تست‌های مرتبط آزمون‌های سراسری و آزاد ارشد و دکترا گرایش‌های مختلف حقوقی مرتبط با این درس که در سال‌های مختلف توسط سازمان سنجش ارائه گردیده است در ذیل هر مبحث.

(۴) آوردن تست‌های آزمون‌های کارشناسی ارشد سال‌های ۹۱ و ۹۲ سراسری و آزاد به همراه کلیدهای سازمان سنجش.

(۵) دسته‌بندی مطالب پراکنده و گردآوری آراء متشکلت نویسندگان کتاب‌ها و منابع اصلی این رشته.

در پایان خداوند بلندمرتبه را سپاسگزارم که توفیق تدوین این کتاب را نصیبم گرداند و از مدیر مؤسسه دوراندیشان جناب آقای قاسم حسین‌آبادی که همواره پذیرای ایده‌ها و طرح‌های جدید در راستای ارتقاء کمی و کیفی آموزش رشته حقوق در سراسر ایران می‌باشند کمال تشکر و قدردانی را بابت همراهی و راهنمایی‌های ارزشمندشان دارم.

هم‌چنین تشکر می‌کنم از دکتر علی کاظمی برادر بزرگوام به خاطر ارشادات و راهنمایی‌ها که همواره در طول چاپ کتاب به این حقیر داشته‌اند و تلاش و همت خانم مینا ولی‌الهی را در ویراستاری و به سامان رساندن این اثر سپاس می‌گویم.

امید است که خوانندگان این اثر و حقوقدانان گرامی مخاطب این کتاب همواره در عرصه زندگی و عرصه‌های علمی به رشد و تعالی و موفقیت روزافزون دست یابند.

سید حسن کاظمی

آدرس ایمیل Gh4884@gmail.com پل ارتباطی شماست موسسه می باشد.

ارسال ایده، نظرات، انتقادات و پیشنهادات به آدرس فوق را جلوه ای از بلند نظریتان دانسته

و آرزوهای ما را تقدیر می دانیم.

فصل نخست
کلیات



عنوان اول – تعریف حقوق بین‌الملل خصوصی

حقوق بین‌الملل خصوصی رشته‌ای از علم حقوق است که از روابط افراد در زندگی بین‌المللی بحث می‌کند. (نصیری: ۱۳۸۰، ۱۳)

موضوع این رشته «روابط افراد» است نه روابط دولتها، چرا که تنظیم کننده روابط دولتها، رشته دیگری از حقوق بنام حقوق بین‌الملل عمومی است. به عقیده نی بویه هنگامی که یک موضوع از مرز یک کشور گذشته و به کشور دیگر سرایت یابد به حقوق بین‌الملل مربوط می‌شود؛ چرا که اگر روابط حقوقی به خارج از مرزها تسری پیدا نمی‌کرد، نیازی به حقوقی گسترده‌تر از حقوق داخلی نبود. «در حقیقت قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی دارای خصیصه خصوصی است که این خصیصه متضمن یک عنصر خارجی است، این عنصر خارجی یا ناشی از تابعیت متفاوت بین طرفین است یا ناشی از محل وقوع مسأله ایست که خارج از قلمرو ملی این افراد می‌باشد.» و این دو نیز ناشی از «پدیده مرز» می‌باشد. بنابراین وجود مرز در روابط افراد، یک مسأله حقوق بین‌الملل خصوصی را هم مطرح می‌کند. (بیگزاده: جزوه حقوق بین‌الملل عمومی، جلد ۱، ۴)

قواعدی که در حقوق بین‌الملل خصوصی مورد بحث واقع می‌شوند، دو دسته‌اند:

قواعد ماهوی

که مربوط به تقسیم جغرافیایی اشخاص (شامل مباحث اقامتگاه و تابعیت) و وضع حقوقی بیگانگان است، این قواعد مسائل را به صورت ماهوی و مستقیم حل می‌نمایند. حقوق بین‌الملل خصوصی در این قسمتها، به تبع قواعد مذکور، حقوق بین‌الملل خصوصی «ماهوی» نامیده می‌شود؛ که در آن تکلیف هر قضیه‌ای را قواعد ملی هر کشور تعیین می‌کند.

قواعد شکلی

که مربوط به مبحث تعارض‌ها (تعارض قوانین، محاکم و مراجع رسمی) می‌باشد و این قسمت از حقوق بین‌الملل خصوصی به تبع قواعد مذکور، حقوق بین‌الملل خصوصی «شکلی» نامیده می‌شود. چرا که این قواعد مستقیماً مسأله را حل نمی‌کنند و بدون راهنمایی این قواعد نیز نمی‌توان پاسخ قضا یا را با مراجعه به قواعد ماهوی به دست آورد. این قواعد اعم از اینکه قواعد دو جانبه (تعارض قوانین) یا قواعد یک جانبه (تعارض دادگاهها) باشد، صرفاً مشخص می‌کنند که در هر مسأله قانون یا دادگاه کدام کشور صالح است و در خصوص خود قضیه راه حلی ارائه نمی‌کنند.

بیازماییم

(ارشد آزاد - ۷۷)

۱- قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی:

- ۱) قواعد حقوق مشترک بین دولتها هستند.
- ۲) قواعد حقوقی داخلی یک دولت است.
- ۳) قواعد موضوعه داخلی نیستند.
- ۴) حاکم بر روابط اشخاص خصوصی و دولتها هستند.

عنوان حقوق بین‌الملل خصوصی

در خصوص اوصاف حقوق بین‌الملل خصوصی بعضی علما ایراداتی به شرح ذیل وارد نموده‌اند:

الف- ایراد به وصف بین‌المللی

اساتیدی چون دوواری سومیر و نی بویه معتقدند که این رشته، مستقل نبوده و از حقوق داخلی نشأت می‌گیرد و جنبه بین‌المللی ندارد.

پاسخ ایراد: هر چند حقوق بین‌الملل خصوصی در موارد ذیل با حقوق خصوصی مشابه است، اما این شباهت‌ها نباید موجب غفلت از دو تفاوت عمده حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق خصوصی شود.

شبهات‌ها

- موضوعات: در حقوق بین‌الملل خصوصی نیز همچون حقوق خصوصی، روابط خصوصی افراد موضوع بررسی می‌باشد.
- ضمانت اجرا: ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل خصوصی هم مانند ضمانت اجرای حقوق خصوصی کافی و مؤثر است.
- شیوه حل مسائل: شیوه حل مسائل در این دو رشته یکسان است.

تفاوت‌ها

- منابع: حقوق بین‌الملل خصوصی برخلاف حقوق داخلی که منابع آن صرفاً جنبه داخلی دارد، دارای منابع مختلط (داخلی- بین‌المللی) می‌باشد.
- زمینه روابط حقوقی: برخلاف حقوق خصوصی داخلی که صرفاً از روابط حقوقی داخلی بحث می‌کند، موضوع حقوق بین‌الملل خصوصی، روابط حقوقی دارای عامل خارجی است.

ب- ایراد به وصف خصوصی

همچنین ایراد شده است که این رشته از حقوق، خصوصی نبوده و شاخه‌ای از حقوق عمومی است؛ زیرا بسیاری از مسائلی که در بین موضوعات آن مطالعه می‌شود به هیچ عنوان جنبه خصوصی ندارد.

پاسخ ایراد: هر چند اولاً؛ دخالت روزافزون دولتها در روابط حقوقی افراد و نفوذ قواعد حقوق عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی این رشته را زیر سؤال می‌برد. ثانیاً؛ در نظر گرفتن مصالح سیاسی و اجتماعی گروه ملی هر کشور هنگام وضع قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی توسط قانونگذار آن کشور، وصف خصوصی این رشته را ضعیف می‌نماید؛ اما با توجه به این که همواره حقوق فردی اشخاص در این رشته مورد بحث قرار می‌گیرد، نمی‌توان حقوق بین‌الملل خصوصی را جزیی از حقوق عمومی دانست. همچنین با توجه به اینکه این رشته بر خلاف حقوق بین‌الملل عمومی دارای ضمانت اجرایی کافی و مؤثر می‌باشد و موضوعات آن با حقوق بین‌الملل عمومی متفاوت است نمی‌توان آن را شعبه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی دانست. (ارفع‌نیا: ۱۳۸۶، ۱۰-۹)

بیازماییم

۲- وجه افتراق حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق بین‌الملل عمومی در ...
آنهاست. (ارشد سراسری - ۸۰)

- | | |
|---------------------|------------------|
| ۱) جنبه بین‌المللی. | ۲) ضمانت اجرایی. |
| ۳) منابع. | ۴) موضوع. |

۳- وجه افتراق حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق خصوصی داخلی در ...
است. (ارشد سراسری - ۸۰)

- | | |
|--------------------------|--------------------------------------|
| ۱) ضمانت اجرایی و منابع. | ۲) عنصر خارجی و ضمانت اجرایی. |
| ۳) منابع و عنصر خارجی. | ۴) منابع و مرجع رسیدگی به اختلاف‌ها. |

عنوان دوم – پیشینه تاریخی حقوق بین‌الملل خصوصی

پیشینه جهانی

در دوران باستان، حقوقی برای بیگانگان متصور نبود؛ ایشان تنها از طریق قرارداد بین حکومتها و یا از طریق مهمان‌نوازی اتباع حکومت پذیرنده، می‌توانستند مدتی در آن کشور بسر ببرند.

در یونان و رُم قدیم نیز پیمانهایی وجود داشت، که حقوقی برای بیگانگان در آنها درج شده بود، معهدا با سلطه رُم بر سرزمینهای همجوار خود احترام به حقوق بیگانگان – در مفهوم امروزی – از کشور رُم رخت بر بست و در آن کشور دو گونه حقوق پدید آمد: یکی «حقوق مدنی» که قواعد مربوط به روابط میان مردم همان سرزمین بود و دیگری «حقوق ملل» که قواعد حاکم بر روابط بین اتباع رُم و بیگانگان بود، که البته این قوانین جنبه داخلی داشت و بیشتر شامل قواعد تجاری بود. (مدنی: ۱۳۶۹، ص ۱۳)

با ظهور اسلام و گسترش جهانی آن، بحث مرزهای فرهنگی به جای مرزهای جغرافیایی و موضوع مسلمان و غیرمسلمان مطرح گردید و غیرمسلمان معنای بیگانه یافت. غیر از کفار حربی که از هر نوع حقوقی محروم بودند، سایر غیرمسلمان (بیگانگان) می‌توانستند صاحب حقوق تلقی شوند. عقد ذمه یا شرط جزیه قراردادی بود که حکومت مسلمان با زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان ساکن در سرزمین اسلامی می‌بست و حقوق و تکالیف آنها را مشخص می‌کرد. از حیث احوال شخصیه، اهلیت و حقوق ارثیه، اهل ذمه تابع احکام مذهبی خود بودند.

بیگانگان خارج از سرزمین اسلامی که بصورت موقت به قلمرو حکومت اسلامی وارد می‌شدند، در چند حالت از حداقل حقوق، مانند ذمیان، برخوردار می‌گردیدند:

۱- **مهاده، معاهده یا معاهده** هنگامی که دولت اسلامی با دولت متبوع بیگانگان قرارداد صلح موقت منعقد می‌کرد.

۲- **امان یا قاعده تأمین** هنگامی که بیگانگان از دولت اسلامی امان می‌گرفتند.

۳- **شبه امان** هنگامی که بیگانه به گمان برخوردار بودن از امان وارد قلمرو اسلامی می‌گشت.

در قرون وسطی، بیگانگان وضعیت حقوقی بسیار بدی در کشورهای اروپایی داشتند، چرا که حقوق جنبه سرزمینی یا درون مرزی پیدا کرده و هر سرزمینی دارای قانونی بود که فقط در همان سرزمین اجرا می‌شد.

از ابتدای قرن ۱۳ میلادی، مکتب ایتالیایی به دلیل روابط تجاری گسترده ایتالیا با بیگانگان، حقوق ایشان را در شکل تعارض قوانین مورد حمایت قرار داد و زمینه را برای پیشرفت تئوری تعارض قوانین در فرانسه آماده ساخت تا حقوقدانانی چون دومولن و درژانتره آن را توسعه دهند. پس از آن هلند بستر رشد حقوق بین‌الملل خصوصی گردید؛ معهدا به لحاظ خصلت استعماری‌اش، علمای آن اجرای حقوق بیگانگان را متکی بر نزاکت بین‌الملل دانستند. از قرن ۱۸ و ۱۹ به بعد حقوق بین‌الملل خصوصی پایگاههای جدیدی پیدا کرد و رشد خود را در آنها ادامه داد.

پیشینه ملی

در کشور ما مطالعه حقوق بیگانگان نیازمند تفکیک دو دوره تاریخی می‌باشد: یکی زمان سابق که حقوق ایران جنبه مذهبی داشته و دیگر زمان معاصر که دوره عرفی شدن قوانین است:

وضع بیگانگان در حقوق سابق ایران

دوران پیش از اسلام

در این دوران پادشاهان متأثر از تعلیمات زرتشت، با بیگانگان و پیروان سایر مذاهب خوشرفتاری داشته‌اند؛ در دوران اشکانیان علیرغم عدم تمرکز حکومت، رفتار با بیگانگان خصوصاً پیروان دین یهود با حسن برخورد همراه بوده است، در دوره ساسانیان نیز هر چند تمرکز حکومت بوجود می‌آمد و دین زرتشتی، دین رسمی ایران می‌گردید معهداً پادشاهان ساسانی رفتاری دوستانه و مسالمت‌آمیز با بیگانگان و پیروان سایر ادیان داشتند.

دوران پس از اسلام

در این دوران قواعد اسلامی بر جامعه ایران حاکم می‌شود. البته در دوران مغول علاوه بر اعتبار احکام اسلام در اداره روابط درونی جامعه مسلمین، اداره جوامع تحت سلطه مغولان تابع مقررات مرسوم به «یاسا» گردید که حتی با مسلمان شدن جانشینان چنگیز در ایران نیز ادامه یافت.

دوران رژیم کاپیتولاسیون

تعریف کاپیتولاسیون: کاپیتولاسیون در معنی اصطلاحی عبارت از معاهداتی است که بموجب آن، دولتی در کشور خارجی، از بعضی از حقوق حاکمیت که اهم آن حق قضاوت و اجرای مجازات است بهره‌مند می‌شود، بطوری که اتباع آن دولت از پاره‌ای حقوق و مزایا بطور اختصاصی استفاده می‌کنند.

در ایران این اسلوب به موجب معاهده ترکمانچای در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ میلادی (۵ شعبان ۱۲۴۳ هـ.ق) برقرار شد و استقلال قضایی ایران را از بین برد تا اینکه با امضاء معاهده ۱۴ دسامبر ۱۹۲۱ میلادی (۲۳ قوس ۱۳۰۰ هـ.ش) بین ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی ارکان این رژیم متزلزل و نهایتاً در روز دهم ماه مه ۱۹۲۸ میلادی (۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ هـ.ش) کاملاً ملغی گردید و دولت ایران تا امروز، استقلال قضایی خود را بطور کامل حفظ کرده است.

وضع بیگانگان در حقوق معاصر ایران

بعد از استقرار محاکم عرفی و تدوین مقررات جدید، حقوق بیگانگان در قوانین ایران لحاظ گردید که در فصل چهارم به صورت مبسوط به آن خواهیم پرداخت.

عنوان سوم – موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی**در سیستم‌های حقوقی کشورهای جهان**

در خصوص اینکه حقوق بین‌الملل خصوصی چه مباحثی را در برمی‌گیرد، نظریات مختلفی ابراز شده است:

۱. مطابق عقیده اول که هنوز هم در آلمان و آمریکا طرفدارانی دارد، حقوق بین‌الملل خصوصی به لحاظ اصالت و استقلال مباحث تعارض قوانین، منحصر به آن است.
۲. گروه دوم معتقدند که موضوع حقوق بین‌الملل خصوصی، تعارض قوانین و تعارض صلاحیت دادگاهها است، این نظر در حال حاضر در کشورهای آنگلوساکسون پیروی می‌شود.
۳. در کشورهای لاتین مثل اسپانیا، آمریکای جنوبی و ایتالیا، حقوق بین‌الملل خصوصی را شامل تعارض قوانین، تعارض دادگاهها و همچنین وضعیت بیگانگان می‌دانند.
۴. مطابق عقیده چهارم، حقوق بین‌الملل خصوصی علاوه بر تعارض قوانین، تعارض دادگاهها و وضع بیگانگان، تابعیت را نیز در بر می‌گیرد. این نظر که سابقاً فقط در فرانسه رواج داشت، در حال حاضر تقریباً در کلیه کشورها نفوذ کرده است.

در سیستم حقوقی کشور ایران

آنچه که در کشور ما موضوع حقوق بین‌الملل خصوصی شناخته می‌شود، موارد ذیل می‌باشد:

تعارض قوانین مطالعه قواعدی است که با اعمال آنها می‌توان قانون حاکم بر یک رابطه حقوقی موضوع حقوق بین‌الملل خصوصی را تشخیص داد.

۱- تعارض قوانین

زمانی که یک عامل خارجی در دعوایی وجود داشته باشد، این سؤال مطرح می‌شود، که آیا دادگاه داخلی صالح برای رسیدگی است یا دادگاه خارجی. این موضوع، اجرای احکام دادگاههای بیگانه و اجرای اسناد رسمی تنظیم شده در کشورهای بیگانه را نیز در برمی‌گیرد. نکته قابل توجه اینکه بر خلاف حقوق داخلی که صلاحیت یک دادگاه از سایر محاکم سلب صلاحیت می‌کند، در حقوق بین‌الملل خصوصی ممکن است در یک آن چند دادگاه در کشورهای مختلف خود را صالح بدانند. همچنین در حقوق داخلی یک دعوا را نمی‌توان همزمان در چند محکمه اقامه نمود، در حالی که دعاوی حقوق بین‌الملل خصوصی را می‌توان همزمان در چند دادگاه مختلف اقامه کرد.

۲- تعارض دادگاهها

منظور تعیین حقوق، امتیازات و تکالیفی است که بیگانگان، در مقایسه با حقوق و تکالیف اتباع داخله دارند، تعارض قوانین، مطالعه قاعده‌های راجع به اهلیت استیفای حقوق بیگانگان در یک کشور است و مسأله وضع بیگانگان، مطالعه حدود اهلیت تمتع بیگانگان در آن کشور می‌باشد.

۳- وضع بیگانگان

منظور از تابعیت، مطالعه مجموعه قواعدی است که وابستگی فردی را به دولتی تعیین می‌کنند. قواعد مربوط به تابعیت، برخلاف قواعد حل تعارض قوانین و دادگاهها و وضع بیگانگان، توسط مقنن بصورت جداگانه پیش‌بینی می‌شود، که هر کس مشمول آنها بود تبعه آن کشور و در غیر اینصورت بیگانه محسوب می‌گردد. نتیجه این قواعد، تمایز بین افراد است؛ که خود سرچشمه حقوق بین‌الملل خصوصی و بیانگر ارتباط امر تابعیت با مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد، مضافاً اینکه تابعیت در بسیاری از کشورها عامل تعیین کننده قانون حاکم بر احوال شخصیه شناخته شده و از این جهت نیز با تعارض قوانین و حقوق بین‌الملل خصوصی مرتبط است.

۴- تابعیت

اقامتگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی همچون تابعیت، عامل تقسیم جغرافیایی اشخاص در جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود و در برخی نظامهای حقوقی بجای عامل تابعیت به عنوان عامل تعیین کننده قانون حاکم بر احوال شخصیه در نظر گرفته می‌شود.

۵- اقامتگاه

بطور کلی می‌توان گفت که حقوق بین‌الملل خصوصی از سه موضوع اصلی گفتگو می‌کند:

- تقسیم جغرافیایی اشخاص (شامل تابعیت و اقامتگاه)
- وضع بیگانگان
- تعارضها (شامل تعارض دادگاهها، قوانین و مراجع رسمی)

موضوعات حقوق بین الملل خصوصی در سیستم کشورهای جهان	
منحصر به تعارض قوانین	(۱) آلمان و آمریکا
۱- تعارض قوانین ۲- تعارض دادگاهها	(۲) انگلوساکسون
۱- تعارض قوانین ۲- تعارض دادگاهها ۳- وضعیت بیگانگان	(۳) اسپانیا، آمریکای جنوبی و ایتالیا
۱- تعارض قوانین ۲- تعارض دادگاهها ۳- وضعیت بیگانگان ۴- تابعیت	(۴) فرانسه و اکثر کشورها
۱- تعارض قوانین ۲- تعارض دادگاهها ۳- وضعیت بیگانگان ۴- تابعیت ۵- اقامتگاه	(۵) ایران

عنوان چهارم – فواید حقوق بین‌الملل خصوصی

فواید عملی

اموال

در حقوق بین‌الملل خصوصی جنبه‌های مختلف دارایی پیش می‌آید، که می‌توان آنها را بشرح ذیل برشمرد: (نصیری: ۱۳۸۰، ص ۱۵)

هرگونه نقل و انتقال کالا از کشوری به کشور دیگر یک مسأله بین‌المللی را در روابط افراد مطرح می‌سازد.

مثال: یک ایرانی، از یک فرانسوی، در ترکیه ماشینی را خریده است، ماشین در اسپانیا است و فرانسوی از ایفاء تعهدات، خودداری می‌کند، شخص ایرانی قصد طرح دعوی حقوقی دارد؛ پاسخ این سؤالات که دادگاه کدام کشور صالح و قانون کدامیک حاکم است را حقوق بین‌الملل خصوصی می‌دهد.

اموال
منقول

هرگاه مال غیرمنقولی در یک کشور متعلق به شخصی باشد که تبعه کشور دیگری است، هر نوع مسأله حقوقی که راجع به این مال غیرمنقول مطرح گردد، در محدوده حقوق بین‌الملل خصوصی است.

اموال
غیرمنقول

مسائل این گونه اموال نیز ممکن است در سطح بین‌المللی مطرح گردد.

مثال: سهام شخصی ایرانی در ترکیه به سرقت می‌رود و در عراق به فروش می‌رسد، آیا خریدار عراقی می‌تواند منافع و سود آن را طلب کند؛ شخص ایرانی کجا باید اقامه دعوی نماید و قانون کدام کشور حاکم خواهد بود؟ این سؤالات را نیز حقوق بین‌الملل خصوصی پاسخ می‌دهد.

اوراق
بهادار

باید دید از حقوق مؤلف یا مخترع تا چه حد در کشورهای بیگانه حمایت می‌شود؟ آیا علائم صنعتی و تجارתי ثبت شده نیز در کشورهای دیگر حمایت می‌شوند یا خیر؟ چگونه صاحب این حقوق می‌تواند احقاق حق نماید؟ و چه قانونی در این موارد لازم الاجرا است؟ حل این مسائل نیز از وظایف حقوق بین‌الملل خصوصی است.

مالکیت‌های
معنوی

اگر شخصی در کشور بیگانه بمیرد و اموالی در این کشور و کشور متبوع خود و یا سایر کشورها داشته باشد، تشخیص اینکه قانون کدامیک از این کشورها بر موضوع حاکم است با حقوق بین‌الملل خصوصی است.

ارث

فرض کنید زن ایرانی با مرد فرانسوی ازدواج می‌کند، به موجب مقررات ایران هر یک از زوجین بموجب ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی به تنهایی مالک دارایی خویش است، حال آنکه در فرانسه زن و شوهر پس از ازدواج در اموال اشتراک دارند، حال رژیم مالی کدامیک از دو کشور ایران و فرانسه بر اموال این زن و شوهر حاکم است؟ این مسأله نیز در محدوده حقوق بین‌الملل خصوصی حل می‌گردد.

رژیم مالی
زوجین

اشخاص

در اینجا می‌توان بین اشخاص حقیقی و حقوقی قایل به تفکیک شد:

جایجا شدن افراد، عزیمت از یک کشور به کشور دیگر و اقامت در آنجا که می‌تواند از طریق مهاجرت، جهانگردی، پناهندگی و یا تجارت باشد، هر یک قواعد خاص خود را می‌طلبد تا هم منافع کشور پذیرنده حفظ شود و هم حقوقی که هر یک از گروههای فوق‌الذکر می‌توانند از آن بهره‌مند گردد تضییع نشود. بعلاوه در مورد احوال شخصیه بیگانگان، بطور کلی، نیز باید تصمیم گرفت و قانون حاکم بر آن را تعیین نمود.

اشخاص حقیقی

گسترش و اهمیت اقتصاد موجب توسعه شرکتها شده است. امروزه، اغلب تجارت در اختیار شرکتهایی است که معمولاً محدود به یک کشور نیستند. بعلاوه گروههای غیرانتفاعی، نهادهای غیردولتی و انجمن‌ها نیز افزایش و توسعه چشمگیری دارند، بطوری که بسیاری از آنها محدوده عملکرد بین‌المللی دارند. تشکیل یک شرکت در یک کشور دیگر مسائلی همچون شناسایی، تشکیل، ثبت، اعتبار، اختیارات مدیران و ... را بوجود می‌آورد که همگی از مسایل حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشند.

اشخاص حقوقی

اعمال و وقایع حقوقی

انعقاد قرارداد، لازمه زندگی افراد انسانی شده است و قوانین مختلف هر کشور در مورد انعقاد قراردادها و آثار آن موجب بروز مشکلاتی در روابط بین‌المللی اشخاص می‌گردد. علاوه بر این، وقایع حقوقی، همچون شبه جرم نیز گاهی جنبه بین‌المللی به خود گرفته و نظامهای حقوقی را به چالش می‌کشند، حقوق بین‌الملل خصوصی این مباحث را نیز مورد بحث و توجه قرار داده است.

فواید علمی

منظور، فوایدی است که از مطالعه حقوق بین‌الملل خصوصی از نظر علمی بدست می‌آید، بدون آنکه حل یک مشکل عملی مدنظر باشد این فواید عبارتند از: (نصیری: ۱۳۸۰، ۱۶)

۱- فن اختصاصی بودن

این فایده که از آن به تقویت قوه استنباط و سازندگی ذهن یاد می‌شود؛ ناشی از آن است که حقوق بین‌الملل خصوصی فن خاص «تطبیق و انطباق» است و با فراگرفتن آن می‌توان، تأسیسات حقوقی داخلی را با تأسیسات حقوقی سایر کشورها مقایسه کرد و جهات افتراق و اشتراک آنها را مورد مطالعه قرار داد، این امر خود یک ورزش فکری است و موجب سازندگی شم حقوقی خواهد شد.

۲- تازگی موضوعات

این رشته از علم حقوق، مستقل و دارای قواعد خاص خود می‌باشد و نمی‌توان آن را حاصل امتزاج سایر رشته‌های حقوقی دانست، همچنین مسائل مطرح در این رشته را نمی‌توان با روش حقوقی عادی بررسی و حل کرد که چرا که بسیاری از این راه‌حلها مبتنی بر مصالح دولت است و جنبه سیاسی این رشته، وجهه خاصی به آن می‌بخشد.

۳- درک بهتر دیگر رشته‌های حقوق

همچنانکه نی بوآبه می‌گوید: «حقوق بین‌الملل خصوصی به مثابه نورافکنی است که بر تأسیسات حقوق داخلی پرتو افشانی می‌کند تا حدود و سطح بیرونی هر موضوعی را روشن کند.» حقوق بین‌الملل خصوصی باعث می‌شود که درباره موضوعات حقوق داخلی تعمق بیشتری کنیم. برعکس حقوق داخلی که غالباً در آن راجع به حقیقت قضایی یک موضوع، مفصلاً بحث می‌شود و نظریات مختلف ذکر می‌گردد ولیکن در پایان، نظر قطعی و جزمی اتخاذ نمی‌گردد؛ در این رشته از حقوق نمی‌توان نظریات مختلف را بدون اخذ نتیجه بیان نمود.

مثال: در حقوق مدنی فرانسه راجع به طبیعت حقوقی رژیم جهیزیه زن، بین حقوقدانان، اختلاف نظر وجود دارد؛ بعضی آن را نوعی «حبس مال» و عده‌ای دیگر آنرا یک نوع «عدم اهلیت» می‌دانند. اما در حقوق بین‌الملل خصوصی تردید روا نیست و ناگزیر از انتخاب یکی از این دو رژیم هستیم، زیرا بر حسب اینکه طبیعت حقوقی رژیم جهیزیه زن، حبس مال و یا عدم اهلیت باشد قانون یک کشور یا کشور دیگر حاکم خواهد شد.

۴- در نظر گرفتن امکانات دولتها در روابط بین‌المللی

در حقوق بین‌الملل خصوصی غالباً یک عامل سیاسی دیده می‌شود که ناشی از استقلال و منافع اساسی دولتهاست، لذا راه‌حلهای این رشته هم مبتنی بر مصلحت دولت واضح آن قاعده است، دولتها ملزم نیستند که اجرای قوانین سایر کشورها را در قلمرو خود به طور مطلق اجازه دهند. حقوق بین‌الملل خصوصی روی قاعده «ممکن و غیرممکن» پایه‌گذاری شده و دولتها «حق و ناحق» را تا حدی که امکانات به آنها اجازه می‌دهد، در نظر می‌گیرند.

مثال: مرد ایرانی دادخواست الزام به تمکین همسر دومش را به دادگاه فرانسه می‌دهد، حق این است که این دادخواست پذیرفته و در خصوص آن حکم صادر شود، ولی چون فرانسه تعدد زوجه را مجاز نمی‌دانند؛ لذا محاکم آن کشور هم این دعوا را بر اساس مصالح خویش نمی‌پذیرند و امکان اجرای قانون ایران را به مرد نمی‌دهند.

بیازماییم

۴- حقوق بین‌الملل خصوصی ...

(ارشد - سراسری ۸۸)

۱) شعبه‌ای از حقوق عمومی داخلی است.

۲) شعبه‌ای از حقوق خصوصی داخلی است.

۳) سبب بهتر فهمیدن حقوق داخلی می‌شود.

۴) سبب بهتر فهمیدن حقوق بین‌الملل عمومی می‌شود.

عنوان پنجم - منابع حقوق بین‌الملل خصوصی

حقوق بین‌الملل خصوصی نشأت گرفته از منابع داخلی و بین‌المللی است. از نظر میزان اهمیت این منابع بین علمای حقوق اختلاف نظر وجود دارد. به نحوی که طرفداران نظریه جهانی می‌گویند وحدت قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی از طریق توافق دولتها امکانپذیر است. لذا منابع بین‌المللی این رشته مهمتر از منابع داخلی آن است. برخلاف این گروه طرفداران نظریه ملی، امکان وحدت قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی را منتفی دانسته و حقوق بین‌الملل خصوصی را انعکاسی از حقوق داخلی در زمینه بین‌المللی می‌دانند. ایشان می‌گویند، همانگونه که وحدت حقوق خصوصی غیرممکن است؛ وحدت حقوق بین‌الملل خصوصی نیز غیرممکن است و اگر روزی این وحدت تحقق یابد، قواعد حل تعارض بی‌فایده شده و حقوق بین‌الملل خصوصی باقی نخواهد ماند؛ بدین ترتیب این گروه منابع داخلی را بر منابع بین‌المللی ترجیح می‌دهند و معتقدند که حفظ منافع ملی به وسیله این منابع صورت می‌پذیرد.

باید گفت هر چند حقوق بین‌الملل خصوصی گرایش به جهانی شدن دارد، لکن جنبه ملی آن را نیز نمی‌توان نادیده گرفت، بنابراین منابع داخلی و منابع بین‌المللی آن دارای اهمیت یکسان می‌باشند. (ارفع نیا: ۱۳۸۶، صص ۲۳ و ۴۲)

منابع داخلی

در نظامهای حقوقی مبتنی بر قوانین موضوعه مانند نظام حقوقی ایران، قانون عمده‌ترین منبع حقوق است و قانونگذار نقش اساسی در تنظیم قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی دارد و پس از آن رویه قضایی از اهمیت بالایی برخوردار است. در کشورهای پیرو نظام حقوق عرفی این ترتیب معکوس است و ایجاد، تحول و پیشرفت قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی بیشتر در آراء دادگاهها شکل می‌گیرد تا در نظرات قانونگذار.

قانون

منظور قانون کشوری است که قضیه در آنجا مطرح شده و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد (قانون مقر دادگاه) بدیهی است هر دادگاه قواعدی را اعمال خواهد کرد که قانونگذار همان کشور اجازه داده است. در ایران تا زمانی که قانون مدنی تدوین نشده بود و اصول کاپیتولاسیون برقرار بود، مقررات مدونی در این خصوص وجود نداشت، تا اینکه با تصویب قانون مدنی، اهم قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی در آن درج شد. معیناً نباید در این زمینه به قانون مدنی اکتفا کرد و برای جستجوی قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی باید سایر قوانین را نیز در نظر گرفت؛ بعنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

قانون مدنی: مواد ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و مواد ۹۶۱ تا ۹۹۰.

قانون تجارت: مواد ۲۷۸ و ۳۰۵ و ۳۰۶.

قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶: مواد ۱۶۹ تا ۱۸۵ (فصل نهم)

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی: مواد ۶ تا ۱۰ و ۲۵، ۱۴۴ تا ۱۴۸.

رویه قضایی

رویه قضایی یا آراء محاکم دو گونه‌اند:

رویه لازم‌الاتباع یا وحدت رویه

عبارت است از نظر هیأت عمومی دیوانعالی کشور در مورد متحدالشکل کردن آراء متهافتی که از شعب محاکم بدوی یا دیوانعالی کشور در موارد مشابه صادر می‌شود، این نظر در حکم قانون بوده و برای تمام قضات لازم‌الاتباع است.

رویه عادی محاکم

آراء مراجع قضایی در موارد مختلف می‌باشد که برای سایر محاکم لازم‌الاتباع نیست. رویه قضایی در این معنا، در نظام حقوقی بسیاری از کشورها منبع مهمی محسوب می‌شود و قضات خود را مکلف به پیروی از آنها می‌دانند و آراء خلاف آنها در مراجع عالی نقض می‌شود، معهداً در کشور ما چنین الزامی بوجود نیامده و فقط برای آراء وحدت رویه چنین جایگاهی در نظر گرفته شده است. نکته دیگر اینکه در سایر کشورها بیشتر قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی توسط محاکم ایجاد شده است. مثلاً در فرانسه قاعده (locus regit actum) که اسناد را از حیث شرایط شکلی تابع محل تنظیم آنها قرار می‌دهد بموجب آراء محاکم متداول گردیده است. در حالیکه در کشور ما تقریباً تمام قواعد حل تعارض توسط مقنن ایجاد شده است. کسانی چون نی‌بوایه، عرف و عادت را نیز جزء منابع داخلی حقوق بین‌الملل خصوصی ذکر کرده‌اند، معهداً هم‌صدا با دیگر اساتید حقوق بین‌الملل خصوصی چون باتیفول و پی‌ژونیر می‌توان گفت که عرف باید در قالب رویه قضایی جای گیرد تا لازم‌الاتباع باشد؛ زیرا:

اولاً: رویه قضایی با عرف بستگی کامل دارد و آنچه در بحث رویه قضایی ذکر شد همان «عرف ملی» هر جامعه‌ای می‌باشد.

ثانیاً: تحقق عرف به دو شرط وابسته است: یکی آنکه عادت قدیمی و مستمر باشد و دیگر آنکه جنبه الزامی داشته باشد و تا شرط دوم موجود نباشد عرف بوجود نمی‌آید و چنانچه گفته شد، این آراء محاکم است که به عرف جنبه الزامی می‌دهد و چه بسا خود مبنای عرف جدیدی واقع شوند.

ثالثاً: عرف، خصیصه «تغییر پذیری» را بالقوه دارد و امکان تغییر و تبدیل آن زیاد است. بنابراین نمی‌توان به آن بعنوان یک منبع تکیه نمود.

رابعاً: اگر چه قواعد عرفی تأثیر زیادی در حقوق بین‌الملل خصوصی داشته‌اند؛ معذک متجاوز یک قرن است که دیگر عرف، توسعه و پیشرفتی ندارد و تقریباً تثبیت شده است.

بیاز ماییم

۵- هنگام اجرای عهدنامه در دادگاه، چه کسی بر نحوه تفسیر آن نظارت می‌کند؟
(ارشد - سراسری ۹۳)

(۱) وزیر امور خارجه.

(۲) مجلس شورای اسلامی.

(۳) رئیس قوه قضائیه.

(۴) دیوان عالی کشور.

۶- منبع اصلی حقوق بین‌الملل خصوصی عبارت است از: (ارشد - آزاد ۸۷)

(۱) قانون و رویه قضایی.

(۲) قانون و عرف.

(۳) رویه قضایی و دکترین حقوقی.

(۴) عرف و دکترین حقوقی و اصول کلی حقوق بین‌الملل.

۷- منابع حقوق بین‌الملل خصوصی:
(ارشد - آزاد ۸۳)

(۱) داخلی و بین‌المللی است.

(۲) داخلی و منطقه‌ای است.

(۳) منطقه‌ای و بین‌المللی است.

(۴) فراملی است.

منابع بین‌المللی

عهدنامه‌ها

عهدنامه‌ها در حقوق بین‌الملل عمومی از منابع اصلی محسوب می‌شوند، معه‌ذا چون کارکرد آنها در حقوق بین‌الملل خصوصی تنظیم روابط افراد می‌باشد، دولت‌ها علاقه زیادی به انعقاد عهدنامه‌ها که مستلزم انطباق نسبی قانونگذاری آنها با دولت‌های دیگر می‌باشد، ندارند. هدف از این عهدنامه‌ها بیشتر حل مسأله تابعیت، وضع بیگانگان و تعارض قوانین می‌باشد.

انواع عهدنامه‌ها

۱- عهدنامه‌های دوجانبه: بین دو دولت و به منظور تأمین منافع اختصاصی آنها منعقد شده و فقط نسبت به طرفین متعاقد الزام‌آور می‌باشد و به هیچ وجه قابلیت استناد در مقابل دولت ثالث را ندارد. بعنوان نمونه می‌توان از عهدنامه‌های اقامت نام برد.

۲- عهدنامه‌های چندجانبه یا جمعی یا اتحادیه‌ها (اونیون): قراردادهایی هستند که بین سه دولت یا بیشتر منعقد می‌شوند و نسبت به تمام آنها، لازم‌الاجرا می‌باشند و به طور کلی هدف از انعقاد آنها، تنظیم قاعده‌های مشترک در مورد موضوعی معین بین گروهی از دولت‌هاست.

جایگاه حقوقی عهدنامه‌ها در حقوق ایران

در کشور ما وفق ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات عهدی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.» بدیهی است عهدنامه‌های سیاسی مزبور نیز مشمول این حکم می‌گردد، معه‌ذا در ایران تا زمانی که این عهدنامه‌ها به تصویب قوه مقننه نرسد قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند، بر این اساس اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «عهدنامه‌ها، معاو له‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

اصل ۱۲۵ قانون اساسی در تکمیل اصل فوق‌الذکر اعلام می‌دارد: «امضای عهدنامه‌ها، مقابله نامه‌ها و موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی اوست.»

با این کیفیت عهدنامه در حقوق داخلی ایران واجد دو وصف بین‌المللی و داخلی بوده و از منابع مختلط محسوب می‌شود. به تعبیر دیگر، به شکل قانون درآمدن عهدنامه‌ها در ایران با تصویب مجلس صورت می‌گیرد، ولی بین عهدنامه‌ای که شکل قانون یافته با قانون مصوب مجلس تفاوت وجود دارد و این تفاوت موجب اشکالات فراوان در عمل گردیده که برای حل آنها گاه جنبه بین‌المللی و گاه جنبه داخلی عهدنامه‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرد.

آثار وصف بین‌المللی عهدنامه‌ها (ماهیت حقوقی عهدنامه در رابطه بین دولتها):

الف- عهدنامه می‌تواند مقررات داخلی را نقض کند، در حالیکه قانون بعدی به هیچ وجه نمی‌تواند ناقض تمام یا قسمتی از عهدنامه باشد.

ب- تفسیر، تعلیق، نسخ و تغییر مواد عهدنامه با موافقت سایر دول امضاءکننده آن امکان پذیر می‌باشد.

ج- منظور از «شرط رفتار متقابل» در عهدنامه، انجام شرط توسط دولت است نه قاضی دادگاه.

آثار وصف داخلی عهدنامه‌ها (ماهیت حقوقی عهدنامه در رابطه بین دولت و افراد): با توجه به اینکه عهدنامه در حقوق داخلی ایران باید به شکل قانون درآید و توشیح و منتشر گردد، می‌توان آن را قانون داخلی دانسته و آثار ذیل را از آن انتظار داشت:

الف- بدون انتشار عهدنامه، دادگاه نمی‌تواند مقررات آن را اجرا نماید.

ب- تفسیر متن عهدنامه، توسط دادگاهها و تحت نظارت دیوانعالی کشور است.

ج- برای حل اختلاف بین متن ایرانی و متن خارجی عهدنامه، متن ایرانی سندیت دارد، مگر اینکه ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد.

عرف و عادت بین‌المللی

منظور از عرف بین‌المللی همان است که در حقوق داخلی وجود دارد یعنی عادت مستمری که جنبه لازم‌الاجرا پیدا کرده باشد؛ در حقوق بین‌الملل خصوصی بر خلاف حقوق بین‌الملل عمومی قواعد عرفی بین‌المللی کمی وجود دارد، این قواعد در حقیقت «حقوق عام» مردم جهان هستند که در قامت قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی خودنمایی می‌کنند، از جمله این قواعد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
(ابراهیمی: ۱۳۸۳، ص ۶۵)

- منع خلع مالکیت از اتباع خارجه بدون تأدیه قیمت عادلانه.
- حق ترافع قضایی برای بیگانگان.
- حاکمیت قانون محل وقوع مال بر اموال غیرمنقول.
- حاکمیت قانون محل تنظیم بر شکل اسناد.

رویه قضایی بین‌المللی

دادگاهها و داوریه‌های بین‌المللی، مخصوصاً دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، رافع اختلاف میان دولت‌ها بر سر معاهدات می‌باشند؛ این مراجع برای حل مسأله، راه‌حلهایی ارائه می‌کنند؛ که چنانچه مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی باشند می‌توانند بعنوان منبعی، هر چند ضعیف، برای حقوق بین‌الملل خصوصی مطرح شوند.

دکترین

دکترین جنبه الزام‌آور برای دولت‌ها ندارد و منشاء مستقیم حقوق بین‌الملل خصوصی نیست ولی به طور غیرمستقیم در تفسیر و اعمال قواعد آن از طریق آموزش یا در اثر تفسیر و گزارشهای کتبی محاکم و یا از طریق تحقیقات و تتبعات انجمن‌های علمی داخلی یا بین‌المللی نقش مؤثری ایفا می‌کند.

اصول کلی بین‌المللی

این اصول که بعضی اساتید، آنها را جزو عرف بین‌المللی می‌دانند؛ قواعدی هستند که به صورت اصل، مورد قبول کشورها قرار گرفته‌اند و در روابط بین آنها رعایت می‌شوند تا بعضی نقایص موجود که بر اثر عدم وجود ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل وجود دارد رفع گردد. از جمله این اصول می‌توان مورد ذیل را نام برد: (ارفع نیا: ۱۳۸۶، ص ۴۱)

- اصل وفای به عهد
- اصل احترام به قول
- اصل احترام به حقوق مکتسبه

منابع حقوق بین‌الملل خصوصی		
منابع بین‌المللی		منابع داخلی
دو جانبه	(۱) عهدنامه‌ها	(۱) قانون
چند جانبه		
(۲) عرف و عادت بین‌المللی	(۲) رأی وحدت رویه	(۲) رویه قضایی
(۳) رویه قضایی بین‌المللی	رویه عادی محاکم	
(۴) دکترین		
(۵) اصول کلی بین‌المللی		

بیازماییم

۸- برای حل مسایل حقوق بین الملل خصوصی، قاضی ایرانی ابتدا باید به کدام منبع رجوع کند؟

(ارشد - سراسری ۷۴)

- (۱) عهدنامه.
 (۲) عرف بین المللی.
 (۳) قانون خارجی.
 (۴) قانون ایران.

۹- مقررات عهدنامه‌هایی که مطابق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد می‌شود ... قانون است.

(ارشد - سراسری ۸۸)

- (۱) معادل.
 (۲) مفسر.
 (۳) برتر از
 (۴) در حکم.

۱۰- در ارتباط با منابع حقوق بین الملل خصوصی ایران کدامیک از پاسخ‌های زیر صحیح است؟

(ارشد - آزاد ۸۱)

- (۱) عهدنامه‌هایی که ایران عضو آن است قانون مدنی ایران، رویه قضایی ایران، رویه قضایی و داوری بین المللی.
 (۲) عهدنامه‌های بین المللی، قانون مجازات اسلامی، قانون مسئولیت مدنی، عرف.
 (۳) حقوق بین الملل عمومی، قانون کار ایران، قانون مدنی، عرف.
 (۴) رویه قضایی یا داوری بین الملل، دکترین حقوقی، قوانین جزایی، قوانین کار.